

در فروردین ۹۶، دو نکته به این دیباچه اضافه شده است. حامد صفائی

پلیس شهروندمدار

دیباچه

۱- اصطلاح حقوق شهروندی در اوایل سال ۱۳۸۳ ابتداء در بخشنامه شماره ۱۸۳/۷۱۶ مورخ ۱۳۸۳/۱/۲۰ رئیس قوه قضائیه و سپس در قانونی با عنوان «قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی» (مصوب ۱۳۸۳/۲/۱۵) وارد حقوق کیفری ایران شد.

متعاقب این دو متن، از یک سو ماده قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی مصوب ۱۳۸۳/۷/۱۱، دولت را موظف کرد که نسبت به تنظیم و به تصویب رساندن منشور حقوق شهروندی در معنای موسع، یعنی ترویج احترام به کرامت و حقوق شهروندی کلیه انسان‌ها در بستر جامعه، اقدام کند و از سوی دیگر، ماده ۱۳۰ همین قانون، قوه قضائیه را به تنظیم و تصویب رساندن «لایحه قانون حفظ و ارتقاء حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد در راستای اجرای اصل ۲۰ قانون اساسی» (بنده) فراخواند. حقوق شهروندی در متن بخشنامه و قانون حقوق شهروندی در واقع معادل و به معنای حقوق بنیادین یا حقوق بشر، با هدف تأکید بر رعایت کرامت انسانی مظنون، متهم و شاکی در فرآیند کیفری به کار برده شده است. بندهای پانزده گانه ماده واحده قانون حقوق شهروندی ۱۳۸۳ در حقیقت یادآوری تأکید گونه‌ای بر رعایت مقررات آئین دادرسی کیفری محسوب می‌شود. تاپیش از

این، مفهوم‌های دادرسی و رفتار عادلانه برای کارگزاران عدالت کیفری و پژوهشگران حقوق کیفری در این زمینه بیشتر مانوس و رایج بود. به موجب این دو مفهوم^۱، مظنون، متهم و مجرم، از یک سو و شاکی و دادستان، از سوی دیگر در پیشگاه عدالت کیفری از امکانات و فرصت‌های برابر در ارائه دلائل، دفاع از حقوق خود و منافع و مصالح جامعه و طرح حقوق و خواسته‌های خود برخوردار هستند. ر.ک. مواد ۱ تا ۷ از قانون آئین دادرسی کیفری، مصوب ۱۳۹۲

۲- مفاهیم دادرسی و رفتار عادلانه (منصفانه) در بردارنده جنبه کیفری موازین حقوق بشری است که در مقررات داخلی کشورها، ابتدا به صورت اصول راهبردی در قانون اساسی به آن توجه می‌شود و سپس تفصیل و شقوق آنها در قوانین و مقررات عادی ضمانت اجرا دار و ضابطه مند می‌شود. نقض تشریفات دادرسی عادلانه نسبت به متهم و نیز عدم رعایت الزامات رفتار منصفانه نسبت به شاکی گاه رسیدگی و حکم محکومیت کیفری را با ایرادهای شکلی روبرو می‌سازد و گاه مرتکبان لطمه به کرامت انسانی متهم و شاکی را به اتهام نقض حقوق شهروندی در معرض تعقیب و محاکمه کیفری قرار می‌دهد. (جرائم علیه حقوق شهروندی در بستر عدالت کیفری).^۲

۳- پلیس از کنشگران اصلی فرآیند کیفری محسوب می‌شود که، به عنوان ضابط فنی یا قضایی، در آغاز فرآیند رسیدگی کیفری با شهروندان تحت عناوین شاکی، مظنون و متهم روبرو می‌شود. پلیس معمولاً نخستین نهادی است که در جریان ارتکاب جرم قرار می‌گیرد و اغلب نخستین مرجعی است که شکایت بزه دیده و به طور کلی اعلام جرم در آنجا مطرح می‌شود. به همین جهت است که پلیس اقدام‌ها و مداخله‌های خود را، به عنوان یاور عدالت کیفری، باید در

۱- در مورد این دو مفهوم ر.ک: مجله حقوقی دادگستری شماره ۵۷-۵۶، پاییز - زمستان ۱۳۸۵ (ویژه دادرسی عادلانه) مجله حقوقی دادگستری، شماره ۵۸، بهار ۱۳۸۶ (ویژه حقوق شهروندی).

۲- در خصوص جرائم علیه حقوق شهروندی ر.ک: نجفی ابرند آبادی، علی حسین، پیشگیری از وقوع جرم توسط قوه قضائیه (مصاحبه)، ماهنامه تعالی حقوق، دادگستری خوزستان، شماره ۱۱، مرداد ۱۳۸۶، صص ۷-۴.

چارچوب قوانین و مقررات شکلی، و تحت هدایت و نظارت مقام‌های قضایی انجام دهد.

۴- بدین ترتیب، وظایف ذاتی پلیس به طور کلی و به ویژه تکالیف پلیس به عنوان ضابط دادگستری به گونه‌ای است که کارگزاران آن، بیشترین تماس را با مردم پیدا می‌کنند. بنابراین، طبیعی است که پلیس بیشتر از سایر کنشگران عدالت کیفری در معرض نقض تضمین‌های حقوقی و قضایی مستهم و محکوم و عدم رعایت حقوق و آزادی‌های مشروع و قانونی شهروندان باشد.

۵- پلیس شهروندمدار، اصطلاحی که اخیراً در ادامه تأکید بر رعایت «حقوق شهروندی در بستر عدالت کیفری» مطرح شده است، دقیقاً ناظر به پلیسی است که: از یک سو، با کسب قبلی مهارت‌های فنی و آموزش‌های حقوقی به ظرافت و حساس بودن وظایف خود، به عنوان ضابط، به هنگام دستگیری، نگهداری و بازجوییِ مظنونان و متهمان آگاه شده است؛ بنابراین نیازی به توسل به روش‌ها، اقدام‌ها و رفتارهای نامتعارف، غیرانسانی و تحقیرآمیز ندارد و از سوی دیگر، با آموزش‌های مربوط به حقوق شهروندی، الزامات آئین دادرسی کیفری و کسب تجربه‌های مختلف در مقابله با بزهکاری، در رفتار خود با مردم در سطح جامعه کرامت‌مداری را الگوی رفتاری کارگزاران و مأموران خود قرار می‌دهد. (پلیس قضایی شهروندمدار).

۶- اثر پیشرو، یعنی «پلیس و حقوق شهروندی»، عمده بحث‌های خود را در ارتباط با وظایف قضایی پلیس در مراحل سه‌گانه فرآیند کیفری (مرحله پیش از محاکمه، مرحله محاکمه و مرحله اجرای مجازات و گاه مرحله پساکیفری) اختصاص داده است. نویسنده محترم در یک رویکرد جامع، «الزامات حقوق شهروندی پلیس» را در قانون اساسی، قوانین و مقررات کیفری عادی، لایحه قانون آیین دادرسی کیفری که هم‌اکنون در مجلس شورای اسلامی در دست بررسی است و سرانجام در منشور بین‌المللی حقوق بشر که اسناد سه‌گانه آن

مورد تأیید و تصویب ایران نیز واقع شده است احصاء و به صورت تطبیقی مطالعه کرده است.

جناب آقای ابراهیم رجبی، با بهره‌گیری از تجربه‌ها و آموزش‌های حقوقی-انتظامی خود، تلاش کرده است به اثر حاضر جنبه ملموس و کاربردی نیز بدهد. از این‌روست که نویسنده محترم در بخش نخست اثر حاضر شهروندمداری پلیس اداری را نیز بررسی کرده است.

۷- باتوجه به اینکه نیروی انتظامی، در جهت تخصصی کردن وظایف و اقدام‌های خود، «پلیس پیشگیری» از جرم را که نوعی پلیس اداری محسوب می‌شود در سال ۱۳۸۴ تأسیس کرده است و مأموران و افسران آن در چارچوب این وظیفه جدید نیز با شهروندان عادی و حقوق و آزادی‌های آنان روبرو می‌شوند، جا دارد پلیس پیشگیری شهروندمدار نیز از نظر ویژگی‌ها، وظایف و الزامات حقوق شهروندی- که این بار در بستر جامعه نسبت به عموم مردم موضوعیت پیدا می‌کند - بررسی و تبیین شود.^۱

اثر حاضر می‌تواند از این منظر نقطه شروع مطالعه و تحقیقات برای پلیس پیشگیری نیروی انتظامی که در آغاز فعالیت خود قرار دارد واقع شود. اگر درباره نقش و وظایف پلیس شهروندمدار در بستر عدالت کیفری روی هم رفته پژوهش‌های زیادی انجام شده است، در عوض، پلیس پیشگیری شهروندمدار و الزامات آن هنوز موضوع مطالعه مستقل جرم‌شناسان و متخصصان علوم پلیسی - دست کم در ایران - واقع نشده است.

۸- بی‌تردید، کتاب «پلیس و حقوق شهروندی» که حاصل تحقیقات و مطالعه انگیزه مند جناب آقای ابراهیم رجبی است، به سهم خود به غنی شدن نوشتگان علوم پلیسی و علوم جنایی در ایران کمک خواهد کرد و افق‌های جدید

۱ جهت مطالعه بیشتر در این خصوص رک: ابراهیمی، شهرام، پیشگیری از جرم در چالش با موازین حقوق بشر، رساله دکتری دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، خرداد ۱۳۸۷، صص ۲۳-۲۰.

تبصره ۱ ماده ۳۰ ق.آ.د.ک. ۹۲: دادستان مکلف است به‌طور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی برای ضابطان دادگستری برگزار نماید.

مطالعاتی را، از جمله در قلمرو پلیس پیشگیری شهروندمدار، بر روی پژوهشگران علاقه مند خواهد گشود.

علی حسین نجفی ابرند آبادی
تهران، ۲۰ اسفند ۱۳۸۷ خورشیدی